



یادداشت

نان آزادی، هستند خواست ملی!

صادق



اعتراضات وسیعی که پس از گران کردن نان و کالاهای اساسی مناطق وسیعی از کشور را در بر گرفته و خشم و نفرتی که از بانیان وضعیت فاجعه بار کشور و مردم در شعارها و رفتار شرکت کنندگان در این اعتراضات مشاهده می شود، اعتراضات این دو هفته را از حالت اعتراض صرف معیشتی و اقتصادی فراتر برده و آن ها را بیش از پیش به اعتراضاتی معیشتی - سیاسی و ضد حکومتی تبدیل کرده است.

از حاصل جمع شعارها و رفتار شرکت کنندگان در اعتراضات مردمی که بیشترشان جوان هستند می توان دریافت که نان و آزادی مخرج مشترک همه آنان است. مردم اینک بیش از گذشته به این نتیجه رسیده اند که نان و آزادی را باید با هم بخواهند و هیچ یک را بر دیگری ارجح ننمایند.

نان و آزادی شعارهای هستند که بیشترین جمعیت کشور را می شود حول آن متحد و به حرکت درآورد و در واقع خواسته هایی ملی هستند. اعتراض دیگر فقط مخالفت با رژیم استبدادی ستمگر و ارتجاعی و فاسد فقهاتی حاکم بر کشور نیست. مردم علاوه بر حکومت دمکراتیک و سکولار غیر موروثی نان و عدالت هم می خواهند. بهمین جهت زیر بار بعضی القات از طرف منسوبین رژیم های دیکتاتوری که می خواهند با تقسیم دیکتاتورها و دیکتاتوری به خوب و بد مقدمات جلوس دیکتاتور دیگری به قدرت را فراهم کنند نخواهند رفت.

برخی شعارهای پراکنده ای مانند "رضا شاه روح شاد" که گاهی در بعضی از تظاهرات مردم توسط گروه کوچکی که معلوم نیست طرفدار دیکتاتوری سلطنتی هستند، یا وابستگان رژیم فقهاتی به میان جمعیت



برده می شود که سلطنت طلبان آن را در بوق کرنا می کنند و می خواهند القا کنند که نشانه حمایت عده‌ای از مردم از دیکتاتوری رضاشاه است.

چنین شعارهایی در واقع با خواسته‌های دمکراسی خواهانه مردم در تضاد و تقابل قرار دارند و بیشتر به کار دستگاه تبلیغاتی رژیم می آیند تا از آن علیه مردم و به نفع تحکیم موقعیت رژیم استفاده کند. رضا شاه روح شاد معنی اش غیر از زنده باد دیکتاتوری نیست. آیا مردم ایران برای رجعت از استبداد فقهاتی به یک رژیم دیکتاتوری مبارزه می کنند؟ مسلماً جواب منفی است.

مردم با دیکتاتوری و استبداد پس از تحمل نظام‌های دیکتاتوری و استبدادی و نتایج فاجعه بار عملکرد آنها طی یک قرن میانه خوبی ندارند و می دانند وضعیت فاجعه بار حاکم بر کشور ما نتیجه سیطره دیکتاتورهای رنگا رنگ است. کدام آدم آزادیخواه واقعی است که بداند رژیم دیکتاتوری شاه وارث دیکتاتوری رضا شاه و خمینی از دل رژیم دیکتاتوری "مدرن" شاه سر برآورد و پروده شد و به دنبال بازتولید آن باشد؟ آنانی که با پول و امکانات بادآورده و تبلیغ و نیرنگ از یکسو مدعی آزادیخواهی هستند و از سوی دیگر مشغول تبلیغ یک نظام دیکتاتوری بجای رژیم استبدادی فقهاتی هستند، در واقع آب در هاون می کوبند. مردم ایران دیگر تن به نظام دیکتاتوری نخواهند داد. آنهایی هم که از جریان سلطنت لولو سر خرمن می سازند ناخواسته مبارزه متحدانه مردم با رژیم فقهاتی را به کانال های فرعی سوق می دهند.

مردم ایران پس از ۱۰۰ سال تجربه دردناک دو نظام دیکتاتوری و استبدادی موروثی و شبه موروثی سه باره زیر بار چنین نظام های نخواهند رفت. زمانه این حرفها هم گذشته است. مردم عدالت و آزادی می خواهند و اگر چه آزادیهای محدود اجتماعی در زمان رژیم پیشین وجود داشت و یکی از وجوه تمایز رژیم شاه نسبت به رژیم فقهاتی بود اما در هیچ کدامشان نه عدالت وجود داشت و دارد و نه آزادی. این واقعیتی است انکار ناپذیر که تعداد زیادی از نخست وزیرها، وزرا و مسئولین درجه اول رژیم شاه در خاطرات و مصاحبه های شان در سالهای بعد از سقوط رژیم و مرگ شاه به آن اذعان کرده‌اند و خیلی از آنان خودکامگی و دیکتاتوری شاه را به درستی عامل انقلاب و سقوط شاه و رژیم سلطنتی عنوان کرده‌اند.

از بدو تشکیل جمهوری اسلامی نیز رهبران آن چنین می نمایند، که گویا می خواهند و می توانند با سیستم استبدادی فقهاتی فقر و بی عدالتی را از میان بردارند و اگر مردم را طبق وعده‌هایی که قبل از قبضه قدرت به آنان داده بودند آزاد بگذارند، آزادی مانع از رشد و توسعه و عدالت اجتماعی خواهد شد. البته آنها هم مانند شاه دروغ می گفتند. آنها هم همچنان که در عمل نشان دادند نه اعتقادی به عدالت اجتماعی داشتند و نه به آزادی، رفسنجانی به بهانه اینکه آزادی مزاحم رشد و توسعه کشور است تا زمانی که رابطه اش با خامنه‌ای و دارو دسته‌اش گل آلود نشده بود و موقعیت منحصر به فرد خود در حکومت را حفظ کرده بود از اعمال هیچ جنایتی علیه آزادیخواهان و عدالت پژوهان دریغ نمی کرد. اما عاقبت دیدیم که با دیکتاتوری نه توانست توسعه ایجاد کند و نه عدالت. احمدی نژاد، روحانی و رئیسی نیز همگی نتیجه کار و رفتارشان مشابه رفسنجانی بود و هست.

وضع امروز کشور نتیجه سیاستهای ضد مردمی و عدالت ستیزانه و استبدادی همین حکومت به بن بست رسیده‌است. همه این تجربیات تلخ به مردم آموخته است که دیگر تن به هیچ نوع دیکتاتوری ندهند و برای سیستمی مبارزه کنند که هم آزادی و هم نان شان را تامین کند.

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!

نه به حذف سوبسیدها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی!



برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریهها و تجربیات عملی بخش چهارم

فاضل کبوت



استاندارد اشتغال کامل

جان فیلیپ ورنِت (John Philip Wernette از ۱۹۰۳ تا ۱۹۸۸)، همچون پیرسون، عمیقاً نگران آن بود که دوران پس از جنگ با بیکاری وسیع و یک رکود بزرگ دیگر رقم بخورد. او در سال ۱۹۴۵ کتاب *تأمین مالی اشتغال کامل* را انتشار داد، که در آن پیشنهاد سیاست اقتصادی بلندمدتی را برای تضمین اشتغال کامل تشریح کرده بود. ورنِت پیشنهاد می کرد که یک "سیستم جدید پولی - مالی" مستقر شود که او آن را "استاندارد اشتغال کامل" می نامید. او تصدیق می کرد که سیستم سرمایه داری گرفتار بی ثباتی ذاتی است. ورنِت از استقرار یک هیئت در سطح فدرال برای ثبات بخشی دفاع می کرد که می بایست "اختیارات و وظایف هیئت مدیره بانک مرکزی و اختیارات و وظایف جدیدی را به عهده گیرد. این اختیارات و وظایف مشخصاً شامل اختیار کنترل حجم کل پول و وظیفه تأمین پول لازم برای جبران کسری بودجه و/یا پرداخت قروض دولت فدرال می شدند.

ورنِت اعتقاد داشت که حکومت فدرال مسئولیت نهائی تضمین شرایط برای اشتغال کامل را به عهده دارد. پیشنهاد "استاندارد تضمین اشتغال" ورنِت، همچون پیشنهاد پیرسون و دیگر مدافعان "دولت به عنوان کارفرمای آخرین راه حل"، با دقت تمام برای یک اقتصاد تحت سلطه بازار طراحی شده بود. او تصریح می کند که "جوهر پیشنهادش زنده نگه داشتن شرکتهای خصوصی از طریق استقرار و تثبیت یک بازار بزرگ برای کالاها و خدماتی است که این بخش قادر به تولید آنهاست.



تأمین مالی پیشنهاد "استاندارد اشتغال کامل" اساساً با چاپ اسکناس جدید صورت می گیرد. در واقع چنین اقدامی برای نیل به سعادت و اشتغال کامل، و حفظ اینها ضرورت دارد. بنا به تصریح ورنت یک اقتصاد در حال گسترش، یعنی اقتصادی با جمعیت رو به رشد و پتانسیل سریعاً فزاینده تولید سرانه، قادر به جذب مقادیر انبوهی از پول جدید است بی آن که موجب تورم گردد.

در پیشنهاد "استاندارد اشتغال کامل" اثری از دوگانگی ارتدوکس بین سیاست پولی و سیاست مالی وجود ندارد. در واقع همانا هماهنگی ظریف بین این دو سیاست است که در کنه این پیشنهاد نهفته است. هیئتی که در سطح فدرال نظیفه ثبات بخشیدن به اقتصاد را دارد (هیئت ثبات بخشی فدرال) می بایست شاخصهای پولی لازم را ایجاد کند و آنها را در بانک مرکزی به حساب خزانه دولت امریکا ذخیره کند. متعاقباً خزانه دولت، بدون توسل به استقراض، چکهای لازم را برای تأمین مالی و پرداخت هزینه های پروژه های ناظر بر اشتغال عمومی، که با دقت طراحی شده و چنان انتخاب شده اند که موجب رقابت با بخش خصوصی نشوند، صادر خواهد کرد.

ورنت استدلال مفصلی را برای توضیح این که چگونه پول از طریق پرداختهای دولتی به سیستم سرمایه داری تزریق می شود و از طریق مالیات نابود می شود، ارائه کرده است. او می نویسد: "کارکرد مالیاتهای فدرال ممانعت از تورم است. حکومت فدرال به معنای واقعی کلمه حق ندارد برای آن که پول لازم برای هزینه هایش را به دست آورد، دست به اخذ مالیات بزند. حکومت مرکزی ما نیز، مثل هر حکومت مستقل دیگری، قدرت لازم برای خلق پول را داراست."

از این قرار ورنت مجدداً اصلی را کشف کرده بود که آبا لرنر (Abba Lerner) در سال 1943 زیر نام *اصل مالی عملکردی* در مقاله مقدماتی اش "مالیه عملکردی و دیون فدرال"، مندرج در مجله *تحقیق اجتماعی*، معرفی کرده بود. آبا لرنر در این مقاله نوشته بود: "ایده مرکزی این است که سیاست مالی حکومت، هزینه ها و مالیاتهای آن، دیون و بازپرداخت حقوق توسط آن، انتشار پول جدید و خارج کردن پول، همه و همه، باید فقط با نظر داشت به اثرات این اقدامات روی اقتصاد انجام شوند و نه با ملاحظه دکتربینهای سنتی جاافتاده که در این موارد به جارجنجال برمی خیزند یا، درست برعکس، سکوت می کنند

اتحاد، همبستگی، تشکل ضامن پیروزی است!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری حمایت کنیم!

از مبارزات کارگران و مزد بگیران علیه قراردادهای موقت و پیمانی حمایت کنیم!



دولت متقلب و نحوه پرداخت یارانه

صادق



علی رضا پاک فطرت یکی از نمایندگان مجلس فرمایشی دو روز پیش از نحوه تخصیص یارانه و دهک بندی کردن یارانه نقدی توسط دولت انتقاد و با آن ابراز مخالفت کرده است.

او از جمله به پرداخت نکردن یارانه به نیمی از جمعیت که مشمول یارانه بوده‌اند ولی به آنها یارانه نداده‌اند و از لیست یارانه بگیرها کنار گذاشته شده‌اند در ر این نوشته اشاره کرد. و نوشت "نیمی از جمعیت یارانه ۳۰۰ تومانی را هم دریافت نکردند" من خطاب به دولت می‌گویم که مردم آگاه و با سواد هستند و وقتی می‌گویند یک دهک از دریافت یارانه حذف شدند، یعنی معادل ۱۰ درصد جمعیت؛ اما بر اساس آمارها شاید نیمی از جمعیت این یارانه ۳۰۰ تومانی را هم دریافت نکردند که نشان می‌دهد صحبت و عمل شما با هم فرق می‌کند."

او در جای دیگر از انتقاد خود به محروم کردن عده‌ای از کارگران و بازنشستگان اشاره می‌کند و می‌گوید:

افرادی که یارانه دریافت نکرده‌اند بسیاری‌شان طبقه بازنشسته و کارگر هستند که در دهک‌های بالا جا داده شده‌اند و توقع این است که دولت زودتر این موارد را اصلاح کند"

پیش از این نماینده مجلس نیز گزارشات مشابهی با همین معنی در خبرگزاری ایلنا هم منتشر شده بود. در رسانه‌های مجازی و اجتماعی نیز بارها شکایات و اعتراضات مشابهی در این مورد مستقیماً از طرف افرادی که کارگر، معلم و بازنشسته بودند مطرح شده و می‌شود. مسئولین و دست اندرکاران دولتی یارانه اکثر شکایاتی را که در این خصوص شده و می‌شود بی‌پاسخ می‌گذارند. علت اش هم این است که



جواب درستی ندارند که به شاکیان بدهند. از شواهد و مدارک منتشر شده پیداست که آنها عامدانه با دست کاری سوابق و تقلب در پرونده افراد برای اینکه یارانه به نیمی از مردم ندهند این کار را کرده‌اند. در اکثر مواردی هم که به دلیلی قول رسیدگی و بررسی مجدد داده‌اند، به گفته عده‌ای از معترضین اقدامی انجام نداده‌اند و رفتارشان در این قضیه با مردم شبیه کلاهبرداران حرفه‌ای است.

خیلی از مردم به یاد دارند که در هنگام تبلیغات انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری چه مسابقه‌ای بین کاندیداها بر سر یارانه و مبلغ آن و بزرگ کردن سفره‌های کوچک شده مردم در گرفته بود و همه ی نامزدها چگونه تلاش می کردند در این کار از یکدیگر سبقت بگیرند.

دلیل آن ماراتن قلابی هم روشن بود، سفره های مردم در اثر سیاستهای حکومت کوچک و خالی از طعام شده بود و روز به روز در حال کوچکتر و تهی تر شدن بود و مسئله تامین معشیت به دغدغه همه روزه بیش از دوسوم جمعیت کشور تبدیل شده بود و شعار های معیشتی بیش از شعارهای دیگر می توانست رای دهندگان را جلب کند.

وعده ها هم البته مثل همیشه تو خالی و ترفندی بیش برای فریب مردم نبود. اکثریت جامعه نیز نه آن وعده‌ها را باور کرد و نه در انتخابات فرمایشی شرکت کرد و بی رونق ترین "انتخابات" در طول عمر حکومت رقم خورد.

بلافاصله پس از برگماری رئیسی قاتل به ریاست جمهوری و تشکیل دولت همه وعده های وی هم دود شد و به هوا رفت و انگار نه انگار که او وعده هایی به مردم داده بود.

پس از مدتها کلنجار و پیچ و تاب سر انجام بعد از چند برابر کردن قیمت آرد و کالاهای اساسی و وعده جبران افزایش قیمتها از طریق پرداخت یارانه نقدی دولت قول پرداخت تنها دوماه یارانه به نه دهک جامعه را داد و معلوم نکرد که تکلیف مردم بعد از ۴ برابر کردن یکباره قیمت کالاهای اساسی چه می شود.

اما حالا معلوم شده است همان دوماه یارانه نقدی ۴۰۰ و ۳۰۰ هزار تومانی وعده داده شده را نیز به نیمی از جمعیتی که مشمول دریافت آن می شده‌اند نداده‌اند. علت اش هر چه باشد مهم نیست نتیجه و تاثیر آن مهم است که بیشتر از همه روی معیشت فقیرترین لایحه های اجتماعی یا همان ۲۷ تا ۳۰ درصد از جامعه که بنا به داده‌های دستکاری شده رسمی در زیر خط مطلق فقر زندگی می کنند. نا گفته پیداست میلیونها نفر از افرادی که فعلا زیر خط فقر به حساب می آیند به زیر خط فقر مطلق رانده خواهند شد. این است نتیجه سیاست شوک درمانی یا بقول خودشان جراحی اقتصادی ضد مردمی و طبقاتی رژیم برای اکثریت مردم یا بقول خودشان آن ۷۲ میلیون نفری که طبق گفته خودشان مستحق گرفتن یارانه بوده‌اند ولی به نیمی از آنان همین یارانه نا قابل را هم جرزنی کرده‌اند و نداده‌اند. بدین تریب مشخص شد دولتی که وعده داده بود با مردم روراست باشد، از همه دولتهای گذشته ناراستر و شارلاتانتر از کار درآمد که البته دور از انتظار هم نبود.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

نه به جنگ و تجاوز، آرای به صلح و آزادی!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته



اعتصاب دو روزه رانندگان و کارگران شرکت اتوبوسرانی

اعتصاب دوروزه رانندگان و کارگران شرکت واحد در روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت از لحاظ تاثیر و بازتابی که در کشور یافت مهمترین اعتصاب کارگری هفته بود که پس از دو روز ایستادگی کارگران با بازداشت شماری از رانندگان معترض به پایان رسید. رئیس شورای اسلامی کار که هیچ نقشی در این اعتصاب نداشت و سالها در سرکوب مطالبات و اعتراضات با شهردار و مدیران شهرداری همکاری می کرد، در خبرگزاری ایلنا از موافقت مدیران شهرداری با افزایش ۵۷ درصدی مورد نظر اعتصابیون خبر داد. با این همه هنوز صحت و سقم این خبر روشن نیست. هجوم شبانه برای دستگیری رهبران سندیکای واحد و بازداشت آقای سعیدی و در زندان نگاه داشتن ۱۱ تن دیگر از دست اندرکاران این اعتصاب مانع اطلاع دقیق از موافقت و یا عدم موافقت مدیریت خواسته های کارگران است. مسیوق به سابقه است که اعضای شورای اسلامی برای فریب کارگران و شکستن اعتصاب اخبار نادرست منتشر کنند.

مدیریت شهرداری ابتدا تلاش کرد با استفاده از رانندگان آتش نشانی برای درهم شکستن اعتصاب بهره بگیرد که با مخالفت آتش نشان که خودشان نیز مطالباتی مشابه رانندگان شرکت واحد دارند مواجه شد. رانندگان مترو نیز علنا از اعتصاب شرکت واحد حمایت کرده و نشان دادند که آنان نیز مانند اتوبوسرانان از افزایش داده نشدن دستمزدهای شان خشمگین و ناراضی هستند و هر آن ممکن است اعتصاب نمایند. کما اینکه طی ماه های اخیر در چند نوبت اعتصاب کرده اند.

شهردار تهران که فساد وی برای همگان اظہرو من الشمس است با جایگزین کردن اتوبوس های متعلق به نهادهای حکومتی و امنیتی و پاسداران بجای رانندگان تلاش کرد اعتصاب را در هم بشکند با این حال موفق نشد. اعتصاب به رغم بازداشت رهبران آن تا پایان روز دوم ادامه پیدا کرد و پس از وعده رسیدگی مدیران شهرداری به خواسته های اعتصابیون پایان یافت.



اعتصاب در شرکت‌های پیمانکاری نفتی

در این هفته دور دوم اعتصابات در شرکت های پیمانی با اعتصاب کارگران شرکت‌های مارون، کارون، آعاجری برای افزایش دستمزد و چند خواسته صنفی دیگر برگزار شد.

به گزارش کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت :

پرسنل قراردادی مدت موقت نفت روز گذشته شنبه بیست و چهارم اردیبهشت در بعضی از شهرهای نفتی از جمله در اهواز، گچساران و خارگ دست به تجمع زده و خواستار اعمال افزایش حقوق در سال ۱۴۰۱ بر اساس مصوبه شورای عالی کار شدند

در اهواز کارگران قرارداد موقت و مدت معین نفت و گاز و حفاری در برابر شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در بلوار پاسداران تجمع کردند

این تجمع با فراخوان قبلی و در پی تجمع اعتراضی روز ۲۱ اردیبهشت‌ماه کارگران قراردادی شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران صورت گرفته است.

و در یک گزارش دیگر از ادامه اعتصابات در شرکت‌های دیگر خبر داد و نوشت:

همکاران و کارکنان قرارداد مدت موقت شرکت بهره برداری نفت و گاز کارون و نفت و گاز مارون اهواز در اعتراض به وضعیت حقوقی خود مقابل ساختمان مرکزی مناطق نفتخیز جنوب (چهار طبقه) تجمع اعتراضی برگزار کردند

این تجمع در پی فراخوان قبلی و در اعتراض به اعلام معاون وزیر نفت مبنی بر افزایش حقوق کارکنان قرارداد مدت موقت بر اساس افزایش سالانه کارکنان دولت انجام شد

در حالیکه در اکثر آیت‌ها حقوق کارکنان مدت موقت بر اساس قانون کار محاسبه می شود اما در موضوع افزایش سالیانه نفت افزایش حقوق کارکنان دولت را ملاک افزایش سالیانه قرار داده است

این همکاران روز شنبه بیست و چهارم اردیبهشت نیز در بعضی از شهرهای نفتی از جمله اهواز، گچساران و خارگ دست به تجمع زده و خواستار اعمال افزایش حقوق در سال ۱۴۰۱ بر اساس مصوبه شورای عالی کار شدند.

یورش های شبانه برای دستگیری رهبران سندیکای واحد

به دنبال بازداشت رضا شهبابی به اتهامات جعلی و پرونده سازی برای او و سه تن از رهبران شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و دو فعال سندیکایی فرانسوی، یک روز بعد از اعتصاب دو روزه رانندگان و کارگران شرکت واحد ماموران وزارت اطلاعات با یورش شبانه به خانه داود رضوی و حسن سعیدی دو تن از رهبران فعال سندیکای واحد حسن سعیدی را بازداشت و با خود به اوین بردند، ولی موفق به بازداشت داود رضوی نشدند. گفتنی است که در یورش به خانه آقای سعیدی که دزدانه در نیمه شب از راه پشت بام انجام گرفت ۹ تن از ماموران گمنام امام زمان شرکت داشتند!

!اعتراضات معیشتی را نمی توان با سرکوب خاموش کرد



اعتراضات به رغم فضای امنیتی و سرکوب و تهدید تدوام دارند و تشدید خواهند شد. اگر همه زندان ها را هم از حق طلبان پر کنند، نمی توانند مبارزه زحمتکشان برای نان و آزادی را متوقف کنند. همانطور که کشتار های دهه خونین ۶۰ نتوانست به مبارزه مردم برای آزادی و عدالت اجتماعی پایان دهد انتصاب رئیسی از قصابان جنایات ۶۷ نیز نمی تواند بقای رژیم جنایتکار و منفور را تضمین کند مبارزه زحمتکشان با نیرویی به مراتب بیشتر و خروشانتر از گذشته ادامه تا پیروی ادامه خواهد یافت.

تجمع اعتراضی بازنشستگان در چند شهر

باز نشستگان تامین اجتماعی در یکشنبه این هفته نیز در چندین شهر از جمله مشهد، کرج، اراک اهواز ... در ۲۵ اردیبهشت مقابل دفاتر سازمان تامین اجتماعی تجمع و خواهان پرداخت افزایش حقوق های خود، همسان سازی و درمان رایگان شدند. گفتنی است که دولت با وجود گذشت دو ماه از سال جدید هنوز اضافه حقوق امسال بازنشستگان را به حساب هایشان واریز نکرده است و گویا قصد افزایش بیش از ۱۰ درصد به حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی را ندارد.

امتناع دولت از افزایش دستمزد مصوب شورای عالی کار زمینه ساز گسترش اعتراضات کارگری

تصمیم دولت برای افزایش ۱۰ درصد به حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران موسسات دولتی زمینه گسترش اعتراضات کارگری را دو چندان هموارتر کرده است. اعتصاب این هفته کارگران شرکت واحد و اعتصابات متعدد در شرکتهای پیمانکاری نفت نه اولین و نه آخرین نمونه از اعتصاب در این خصوص نبوده و نیست. حالت انفجاری هم جا آشکارا است و تبدیل اعتصابات به طغیان و شورش دور از انتظار نیست. حکومت با سرکوب تشکلهای صنفی و مدنی و زندانی کردن رهبران تشکلهای ابلهانه تصور می کند با سرکوب می تواند زحمت کشان را از خواسته های به حق شان منصرف کند، اما باید بداند دارد بنزین روی آتش خشم و نفرت و نارضایتی های زحمتکشان می ریزد و اعتصابات را بسوی شورش و طغیان می راند.

از مبارزه معلمان برای آزادی فعالین صنفی معلمان از زندان حمایت کنیم!

همه با هم برای آزادی کارگران، معلمان و کلیه زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>